

## تحلیل عوامل بازدارنده‌ی کارآفرینی در مناطق روستایی، مورد مطالعه: نواحی روستایی دهستان سررود

جنوبی، بخش مرکزی شهرستان بویراحمد

حسین سلیمانی<sup>۱</sup> فرشاد رکنی<sup>۲\*</sup>

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

(ایمیل: [Hosein\\_soleimany\\_GEO@yahoo.com](mailto:Hosein_soleimany_GEO@yahoo.com))

۲- دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

(ایمیل: [farshad.rokni@gmail.com](mailto:farshad.rokni@gmail.com))

### چکیده

پژوهش حاضر از نوع کاربردی با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از مطالعات کتابخانه‌ای و پیمایش میدانی استفاده شده است. قلمرو مکانی این پژوهش دهستان سررود جنوبی از توابع شهرستان بویراحمد، بخش مرکزی است. جامعه آماری تحقیق، تمامی سرپرستان خانوار دهستان سررود جنوبی استان کهگیلویه و بویراحمد بود که تعداد ۱۴۵ نفر از سرپرستان خانوار به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود. در این پرسشنامه جهت شناخت عوامل بازدارنده کارآفرینی در مناطق روستایی از ۴۵ متغیر در قالب سوالات در مقیاس لیکرت استفاده شد. سطح پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون مقدماتی از طریق تکمیل ۳۰ پرسشنامه به عمل آمد و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ محاسبه گردید که بیانگر نرمال بودن داده‌ها بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی اکتشافی در نرم افزار SPSS استفاده شد. در این پژوهش از تقلیل ۴۵ متغیر ۷ عامل بازدارنده کارآفرینی در منطقه مورد مطالعه بدست آمد. این عوامل به ترتیب شامل مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، فردی، آموزشی، زیرساختی، سیاسی و حمایتی می‌باشد. این هفت عامل در کل ۶۶/۴۶۲ درصد از کل واریانس عوامل بازدارنده کارآفرینی را تبیین نمودند. بر اساس نتایج بدست آمده اصلی‌ترین عامل بازدارنده کارآفرینی در این منطقه عامل اقتصادی است و مهم‌ترین متغیر بازدارنده اقتصادی کسب و کار کارآفرینی روستایی، عدم دسترسی به منابع مالی مورد نیاز (عدم دسترسی به وام و دشواری فراهم کردن شرایط اخذ تسهیلات بانکی (ضامن و وثیقه) می‌باشد.

واژگان کلیدی: تحلیل عاملی، عوامل بازدارنده، کارآفرینی، روستا، دهستان سررود جنوبی



## Analysis of Barrier Factors to Entrepreneurship in Rural Areas, the Case of: Rural Areas of South Sarroud Districts, Central District of Boyer-Ahmad County

H. Soleimani<sup>1</sup>, F. Rokni<sup>2\*</sup>

- \*1. Assistant professor of Islamic Azad University, Najaf Abad Branch  
(Email: Hosein\_soleimany\_GEO@yahoo.com)
2. PhD student at Islamic Azad University, Najaf Abad Branch  
(Email: farshad.rokni@gmail.com)

### Abstract

The present study is an applied research with descriptive-analytical research method. In order to collect information library studies and field surveys have been used. The spatial domain of this research is the south Sarroud Districts in the central District of Boyer-Ahmad County. Statistical population of this research was all households of the south Sarroud District of Kohgiluyeh and Boyerahmad Province that 145 heads of households were selected by random sampling method. The data gathering tool was a questionnaire. In this questionnaire, in order to recognize barrier factors to entrepreneurship in rural areas 45 variables in the form of Likert-type scale were used. The reliability level of the questionnaire was evaluated using a preliminary test by completing 30 questionnaires and Cronbach's alpha coefficient was calculated 0.87, indicating that the data were normal. In order to analyse data exploratory factor analysis was used in SPSS software. In this research 7 barrier factors to entrepreneurship in the study area were extracted by the reduction of 45 variables. These factors are respectively included economic, social, individual, educational, infrastructural, policy and support components. Totally, these seven factors explained 66.426 percent of total variance of barrier factors to entrepreneurship. Based on the results the main barrier factor to entrepreneurship in this region is the economic factor and the most important economic barrier factor to rural entrepreneurship is the lack of access to required financial resources (The lack of access to loans and the difficulty of providing conditions for obtaining bank facilities (guarantors and bail).

**Keywords:** Factor analysis, barrier factors, Entrepreneurship, village, South Sarroud Districts.



## مقدمه:

کارآفرینی، موتور محرک توسعه اقتصادی کشورهاست. سه دلیل مهم کشورها برای توجه به کارآفرینی تولید ثروت، توسعه فناوری و اشتغال مولد می باشد (پارساپور و همکاران، ۱۳۹۶). کارآفرینی یکی از عوامل کلیدی برای رسیدن به توسعه اقتصادی و ایجاد تحولات اجتماعی است که بخشی از بحران موجود جامعه بشری را که ناشی از پویا نبودن اقتصاد است برطرف می کند (ضیاء و وقارموسوی، ۱۳۹۵). امروزه کارآفرینی نقش کلیدی در روند توسعه و پیشرفت اقتصادی جوامع مختلف ایفا میکند (مرادی و همکاران، ۱۳۹۵). علیرغم همه ی تلاش های انجام شده در جهان، بیکاری همچنان به عنوان معضلی اساسی بیشتر کشورها را تهدید می کند. این موضوع به ویژه با بحران سالهای اخیر شدت یافته و از اینرو، برای مهار آن تلاش دوجندان انجام شده و سیاست های متفاوتی در این راستا اعمال شده است (فیض پور و همکاران، ۱۳۹۰). بسیاری از دولت ها به دنبال ارتقا و پیشرفت کارآفرینی و ایجاد کسب و کار بوده، چرا که کارآفرینی نقش مهمی در رشد و شکوفایی اقتصادی دارا می باشد (چانگ، ۲۰۰۴، ۱). مقوله ی «کارآفرینی» به عنوان موثرترین نیروی بالقوه ی اقتصادی در تاریخ جهان، به صورت بحث برانگیزی از حدود سه دهه ی گذشته تا کنون ظهور یافته و مطرح شده است (علی میری، ۱۳۸۷). امروزه بسیاری از پژوهشگران علوم اجتماعی معتقدند کارآفرینی یک راهبرد مناسب برای مبارزه با فقر و نگاهداشت ثروت در جوامع کمدرآمد است؛ بنابراین، در پاسخ به اقتصاد جهانی، سیاستگذاران روستایی به توسعه کسب و کارهای کوچک، انجمن های تجاری منطقه ای و کارآفرینان محلی توجه کرده اند (شهرکی و همکاران، ۱۳۹۵). بنابراین امروزه در جهان، کسب و کارهای نوین جهت احیای اقتصاد کشورها بسیار ضروری بوده (دلستراند، ۲۰۰۷). مطالعات مختلف نشان داده که از جمله راهکارهای مهم توسعه ی اقتصادی -چه در شهرها و چه در روستاها- ایجاد اشتغال و مهم ترین سازوکار و ابزار آن، کارآفرینی است. کارآفرینی باعث کاهش بیکاری، افزایش بهره‌وری افراد و منابع و در نهایت افزایش درآمد مردم جامعه میشود. اگرچه کارآفرینی تنها راهکار اشتغالزایی و افزایش درآمدهای مردم روستایی نیست؛ اما قطعاً بهترین و بهره‌ورترین نوع آن است (قمبرعلی و زرافشانی، ۱۳۸۷). در جوامع امروزی کارآفرینی تاثیر انکارناپذیری در توسعهی اقتصادی، اجتماعی و فناوری کشورها دارد (جعفرنژاد و همکاران، ۱۳۹۰) چرا که با قدم نهادن به قرن ۲۱، با توجه به معضل بیکاری، کارآفرینی در سطح خرد مقیاس جان تازه ای به اقتصاد کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بخشید (شان و همکاران، ۲۰۰۳). در نظریه های کلاسیک ادبیات کارآفرینی، آدام اسمیت کارآفرینی را فرایند خلق ثروت دانسته است (اکبری و همکاران، ۱۳۹۵). کارآفرینان کسانی هستند که محصولات، فرایندها و روش های نوین را کشف نموده و به بهره برداری می رسانند (بام و لاک، ۲۰۰۴). هیستریچ و پیترز (۲۰۰۲) کارآفرینی را فرایند نوآوری و بهره گیری از فرصتها با تلاش و پشتکار بسیار و همراه با پذیرش خطرات مالی، روانی و اجتماعی که البته با انگیزه کسب سود مالی، توفیق طلبی، رضایت شخصی و استقلال صورت می گیرد، تعریف کرده‌اند (علیدوست و همکاران، ۱۳۹۱). از نظر پتر دراکر (۱۹۸۵) کارآفرین کسی است که فعالیت اقتصادی کوچک و جدیدی را با سرمایه خود شروع می کند. ژوزف شومپیتر (۱۹۱۱) کارآفرینی را موتور محرک توسعه اقتصادی می داند در چارچوب نظریه توسعه شومپیتر انسان‌های خلاق و مبتکر که هدایت و رهبری اقتصاد را بر عهده دارند نقش محوری و بسیار مهمی در اقتصاد ایفا می کنند. این افراد عمدتاً ریسک پذیر و در زمینه فناوری نوآوردن و الزاماً دارای سرمایه نیستند. بنابراین، در صورت دسترسی نداشتن به منابع و امکانات مالی نظیر اعتبارات بانکی، نمی توانند از قدرت خلاقیت خود استفاده کنند. ریگان، کارآفرینی روستایی را فراهم کننده زمینه اشتغال، افزایش درآمد و تولید ثروت، بهبوددهنده کیفیت زندگی و کمک کننده به افراد محلی برای مشارکت در اقتصاد می داند (یاسوری و همکاران، ۱۳۹۴). کارآفرینی و تشخیص فرصت به یکدیگر گره خورده اند و یکی از بخش های مهم در فرایند کارآفرینی تشخیص فرصت است (نیک رفتار و حسینی، ۱۳۹۵). امروزه، افزایش اشتغال و کاهش بیکاری از جمله شاخص های توسعه یافتگی جوامع تلقی شده که رفع معضل بیکاری به عنوان پدیده ای مخرب در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی همواره از جمله دغدغه های برنامه ریزان بوده است (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۶). نواحی روستایی به عنوان کانون تولید کشور محسوب می شوند و نقش اساسی در تأمین استقلال ایران به ویژه از منظر امنیت غذایی دارند. روستاها دارای قابلیت های اقتصادی فراوانی هستند که در صورت برنامه ریزی صحیح، میتوان با شکوفایی آنها، اقتصاد پویا و متنوعی را در نواحی یادشده پدید



آورد. کسب و کارهای روستایی مهم ترین عنصر اقتصاد روستایی هستند که سبب اشتغالزایی و کاهش بیکاری، افزایش درآمد و افزایش بهره وری می شوند (ورمزیاری و ایمانی، ۱۳۹۶). توسعه کارآفرینی به عنوان راهبردی کارآمد برای حل معضل بیکاری، توسعه اقتصادی، فقرزدایی و عدالت اجتماعی روستاها به عنوان بخش بزرگی از نظام اجتماعی و جمعیتی که عوامل انسانی پرشماری در آنها سکونت دارند مملو از قابلیت ها و زمینه های شناسایی نشده ای هستند که شناسایی و بهره برداری به موقع از آنها در مسیر ایجاد کسب و کارهای جدید، می تواند مزایای اقتصادی فراوانی برای روستاییان به همراه داشته باشد (یاسوری و همکاران، ۱۳۹۴).

در این قسمت به برخی از مطالعات مربوط به عوامل بازدارنده کارآفرینی اشاره شده است. قدیری معصوم و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه ای تحلیل موانع کارآفرینی در نواحی روستایی، مورد: دهستان غنی بیگلو، شهرستان زنجان پرداختند. در این مطالعه از تقلیل ۵۶ متغیر، ۶ عامل بدست آمد که این عوامل عبارتند از: عامل اقتصادی، فردی و زیرساختی، عامل اجتماعی، اقتصادی و فردی، عامل اجتماعی و زیرساختی و عامل اقتصادی و فردی. در این پژوهش عمده محدودیت ها در زمینه کارآفرینی روستایی مربوط به عوامل اقتصادی عنوان شد. ماراگانتهام و ناتاراجان (۲۰۱۵) به بررسی موانع کارآفرینی در مناطق روستایی پرداختند. بر مبنای یافته های این پژوهش متغیرهای بازدارنده کارآفرینی در نواحی روستایی شامل متغیرهای عدم مهارت، نبود کمک، کمبود سرمایه، عدم آگاهی و ترس از آینده می باشند. همچنین نتایج نشان داد که دولت، سازمان های غیر انتفاعی، دانشگاه ها و سایر موسسات و بخش های تأثیرگذار باید برای بهبود آموزش، مهارت ها و دانش تلاش کنند و همچنین محیط خوبی برای ایجاد حس راحتی در راه اندازی یک کسب و کار جدید ایجاد نمایند. رحیم پور و یوسفی (۱۳۹۵) در مطالعه ای به بررسی موانع کارآفرینی زنان قالیباف روستایی پرداختند. که منجر به شناسایی پنج عامل بازدارنده کارآفرینی زنان قالیباف شد. این عوامل عبارتند از: عامل اجتماعی-فرهنگی، عامل مهارتی، عامل فردی، عامل اقتصادی و عامل قانونی. علیدوست و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه ای به اولویت بندی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان گرمسار پرداختند. بر اساس نتایج بدست آمده موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی منطقه مورد مطالعه به ترتیب شامل موانع اقتصادی، آموزشی، روانشناختی، فرهنگی-اجتماعی، سیاست گذاری و فنی می باشد. نصرالهی و همکاران (۱۳۹۴) در بررسی عوامل مؤثر بر عدم موفقیت تعاونی های چایکاران در استان گیلان به این نتیجه دست یافتند که مهم ترین عوامل مؤثر بر عدم موفقیت کارآفرینی به ترتیب شامل ناکافی بودن حمایت های دولتی، عدم ارتباط مناسب بین تولید و بازاریابی، عدم بازاریابی مناسب محصولات، سیاست های اعتباری نادرست، نبود همبستگی میان اعضاء، ناآشنایی اعضاء با اصول تعاونی، عدم بهره مندی از اعتبارات و تسهیلات دولتی، بی توجهی به سرمایه گذاری بلندمدت می باشد. در مجموع هفت عامل آموزشی، مشارکتی، حمایتی، توسعه ای، مدیریتی، مسئولیتی و دولتی تبیین کننده عوامل مؤثر بر عدم موفقیت تعاونی های این منطقه می باشند. قمبرعلی و همکاران (۱۳۹۵) به ارزیابی فرهنگ کارآفرینی و عوامل مؤثر بر شکست کارآفرینان کشاورزی در شهرستان کرمانشاه پرداختند. نتایج بیانگر این است که موانع فرهنگی نیز شامل نبود فرهنگ خلاقیت، نپذیرفتن شکست، نگرش منفی به ریسک، بی اعتقادی به توانمندی های زنان، وجود فرهنگ مردسالاری در جامعه و سازمان ها و مخالفت والدین با فعالیت های کارآفرینی دختران می باشد. در کل نتایج نشان داد که وضعیت زیرسیستم فرهنگی در اکوسیستم کارآفرینی مطلوب نبوده و فرهنگ موجود نه تنها حامی کارآفرینی نیست، بلکه مانع نیز می باشد. جنگچی کاشانی و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به تحلیل موانع توسعه کارآفرینی کشاورزی از دیدگاه کارآفرینان کشاورزی در استان قزوین پرداختند. در این پژوهش به محدودیت هایی مانند نرخ بالای بهره وام؛ قیمت بالای تجهیزات؛ سردرگمی و پیچیدگی قوانین، بوروکراسی اداری سخت، عدم حمایت از کارآفرینان جوان، عدم حمایت از کارآفرینان و ماهیت رقابتی، عدم حمایت مالی بانک از پروژه های کارآفرینی، وجود چندین متولی در کارآفرینی و قواعد پول دلالی و واسطه اشاره شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که از لحاظ موانع فردی، فقدان آگاهی از روابط کاری، دارای بیشترین و عزت نفس پایین دارای کمترین اهمیت است. در رابطه با موانع سازمانی، متولیان (بازرسان) کارآفرینی دارای بیشترین و بوروکراسی اداری سختگیرانه دارای کمترین اهمیت است. در مورد محدودیت های اجتماعی و فرهنگی، فقدان حمایت کارآفرینان از یکدیگر و ماهیت رقابتی آنان دارای بیشترین و مخالفت والدین با کارآفرینی دارای کمترین اهمیت می باشد. در مورد موانع اقتصادی، کمبود حمایت مالی از پروژه های کارآفرینی توسط بانک ها دارای بیشترین و کمبود

نقدینگی و سرمایه دارای کمترین اهمیت می‌باشد. مرادی و همکاران، ۱۳۹۵ در بررسی عوامل و موانع توسعه کارآفرینی به این نتیجه دست یافتند که از دیدگاه کارآفرینان، سه دسته عوامل زمینه ای، عوامل توانمندساز و عوامل بازدارنده قابل استخراج می‌باشند. در رابطه با عوامل اثرگذار بر فرایند کارآفرینی مستقل، جعفرنژاد و همکاران (۱۳۹۰) نشان دادند که متغیرهای فردی، شغلی، رفتاری و محیطی به ترتیب بیشترین اثرگذاری را بر فرایند کارآفرینی دارا می‌باشند. جمینی و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به تحلیل عواملی متغیرهای پیش برنده و بازدارنده توسعه کارآفرینی در میان زنان روستایی شهرستان روانسر پرداختند. نتایج منجر به شناسایی هفت عامل در ارتباط با عوامل پیش برنده توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان روانسر شد، که این عوامل به ترتیب اهمیت شامل عوامل اقتصادی، محیطی، فردی-مدیریتی، اجتماعی-فرهنگی، زیرساختی، آموزشی- ترویجی و فنی بودند. همچنین در ارتباط با عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی زنان روستایی محدوده مورد مطالعه، شش عامل شناسایی شد که این عوامل نیز به ترتیب اهمیت شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، روان‌شناختی، سیاست‌گذاری، فنی-آموزشی و زیرساختی بود. نصرالقادر و صالح‌جاهور (۲۰۱۱) به بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت و شکست کارآفرینان در شرکت‌های کوچک و متوسط در بنگلادش پرداختند. در این پژوهش دو عامل رابطه و سازمان به عنوان عوامل مؤثر بر موفقیت و عوامل پایداری، عرضه و عوامل مرتبط با تولیدات به عنوان عوامل مؤثر بر شکست کارآفرینان معرفی شدند. کومار (۲۰۱۴) به بررسی عوامل مؤثر در موفقیت و شکست کارآفرینان در صنایع کوچک با توجه به سطح آموزش و پرورش پرداخت. بر مبنای نتایج حاصل از این پژوهش، مزیت رقابتی، برنامه ریزی استراتژیک، آگاهی بازار، مدیریت و توسعه افراد؛ عملکرد و هدف روشن، مدیریت مناسب مهارت‌های فنی، تحصیلات، روابط بهتر انسانی عوامل پیش‌برنده و مهارت‌های مدیریتی ضعیف، مسائل مالی، برنامه ریزی و سازماندهی نامناسب، فقدان هدف مشخص، مهارت‌های پرسنلی ضعیف، تحصیلات و آموزش کم، روابط انسانی ضعیف و ترس عوامل بازدارنده کارآفرینی می‌باشند. یاسوری و همکاران (۱۳۹۴) با استفاده از تحلیل عاملی به تحلیل موانع و راهکارهای توسعه کارآفرینی زنان روستایی دهستان گوراب پس فومن پرداختند. بر مبنای اطلاعات به دست آمده، سه عامل انگیزش و پشتکار، قابلیت‌های طبیعی و قابلیت‌های فردی از عوامل پیش برنده و عوامل کمبود امکانات، عوامل فرهنگی، مالی، دولتی و عوامل خانوادگی و فردی جزء عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی در این منطقه می‌باشند. همچنین نتایج نشان داد که در این منطقه، زمینه‌های فردی و محیطی لازم برای ایجاد و توسعه کسب و کار زنان روستایی وجود دارد.

## مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش تحقیق آن توصیفی-تحلیلی است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از مطالعات کتابخانه‌ای و پیمایش میدانی استفاده شده است. قلمرو مکانی این پژوهش دهستان سررود جنوبی از توابع شهرستان بویراحمد، بخش مرکزی است. جامعه آماری تحقیق، تمامی سرپرستان خانوار دهستان سررود جنوبی استان کهگیلویه و بویراحمد بود که تعداد ۱۴۵ نفر از سرپرستان خانوار به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود. شایان ذکر است که در این پرسشنامه جهت شناخت عوامل بازدارنده کارآفرینی در مناطق روستایی از ۴۵ متغیر در قالب سوالات با مقیاس لیکرت (خیلی کم تا خیلی زیاد) استفاده شد. سطح پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون مقدماتی از طریق تکمیل ۳۰ پرسشنامه به عمل آمد و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ محاسبه گردید که بیانگر نرمال بودن داده‌ها بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. تحلیل عاملی روشی مناسب برای تحلیل شاخص‌ها و تبدیل آنها به عوامل معنی دار، بدون از دست دادن اطلاعات با صرفه‌جویی در زمان و هزینه است. به عبارتی، تحلیل عاملی تعداد فراوانی از متغیرها را بر اساس تعداد اندکی از ابعاد یا سازه‌ها بیان می‌کند. این روش برای شناسایی سازه‌ها یا عوامل تشکیل دهنده یک پدیده به کار می‌رود. بنابراین، هدف اصلی شیوه تحلیل عاملی، کوتاه سازی و سودمند ساختن داده‌های بدست آمده از متغیرهای فراوان و تبدیل آن‌ها به دسته کوچکتر از سازه‌های ترکیبی تازه (عامل‌ها) با کمترین میزان از دست رفتن داده‌ها است (ولائی و همکاران، ۱۳۹۴). در این پژوهش داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار (SPSS) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

جدول ۱- نتایج حاصل از آزمون آلفای کرونباخ

سازه	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
عوامل بازدارنده کارآفرینی در مناطق روستایی	۴۵	۰/۸۷

منبع: یافته‌های پژوهشگر، ۱۳۹۷

### نتایج و بحث

بر اساس یافته‌های پژوهش، میانگین سن پاسخگویان ۴۳/۶۷ سال (با انحراف معیار ۸/۱۲) می‌باشد. که تقریباً نیمی از آنان در گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال قرار دارند. سن جوان‌ترین و مسن‌ترین پاسخگو به ترتیب ۲۰ و ۶۵ سال بوده است. با بررسی سطح تحصیلات مشخص شد که حدود نیمی از افراد پاسخگو دارای تحصیلات دیپلم و بالاتر (۴۹/۹۰ درصد) و نیمی دارای تحصیلات زیر دیپلم (۴۶/۱ درصد) و (۴ درصد) بی‌سواد بودند. از نظر وضعیت اشتغال نیز (۸۱/۳ درصد) شاغل و (۱۸/۷ درصد) غیرشاغل می‌باشند.

### عوامل بازدارنده کارآفرینی در مناطق روستایی

در این بخش جهت تعیین ضرایب مؤلفه‌های مربوط به عوامل بازدارنده کارآفرینی در دهستان سرابتاوه از تحلیل عاملی به روش اکتشافی استفاده شد. اولین مرحله تشکیل ماتریس داده‌ها است که شامل جدولی است که ستون‌های آن متغیر و سطور آن شامل دهستان می‌باشد. به منظور تشخیص مناسب بودن داده‌های گردآوری شده از آزمون بارتلت و آماره KMO استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان داد آزمون بارتلت در سطح یک درصد معنی‌دار شده و به منظور انجام تحلیل عاملی مناسب می‌باشد.

جدول ۲- نتایج آماره KMO و آزمون بارتلت

مقدار KMO	مقدار آزمون بارتلت	درجه آزادی	sig
۰/۸۹۱	۴۵۷۵/۳۹۱	۹۹۰	۰/۰۰۱

در ادامه برای بررسی ارتباط درونی متغیرها از ماتریس همبستگی استفاده شد که در اینجا به دلیل حجم زیاد داده‌ها حذف شده است. در مرحله بعد با استفاده از ماتریس عاملی، عوامل مشترک و اهمیت نسبی هر متغیر معلوم شد. سپس بردارهای ویژه برای تمامی مقادیر ویژه غیرصفر محاسبه و برای دستیابی به حالت مطلوب از چرخش واریماکس استفاده شد. تا ساختار ساده‌ای بوجود آید. جدول زیر مقدار ویژه و درصد واریانس تبیین شده و تراکمی را قبل و بعد از چرخش نشان می‌دهد. پس از چرخش واریماکس و حذف گویه‌های بی‌اثر، هفت عامل با مجموع واریانس ۶۶/۴۶۲ درصد مشخص شد.

جدول ۳- عوامل استخراج شده در رابطه با عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی در منطقه مورد مطالعه

عامل‌ها	استخراج اولیه			استخراج پس از چرخش واریماکس		
	مقدار ویژه	درصد واریانس	فراوانی تجمعی	مقدار ویژه	درصد واریانس	فراوانی تجمعی
۱	۱۳/۳۸۷	۲۹/۷۴۹	۲۹/۷۴۹	۸/۲۰۲	۱۸/۱۶۸	۱۸/۱۶۸
۲	۶/۹۲۷	۱۵/۳۹۳	۴۵/۱۴۱	۶/۴۴۲	۱۴/۶۹۹	۳۲/۸۶۷
۳	۲/۹۰۷	۶/۴۵۹	۵۱/۶۰۱	۵/۲۷۷	۱۱/۷۴۶	۴۴/۶۱۳
۴	۲/۶۸	۵/۹۵۵	۵۷/۵۵۶	۳/۳۷۹	۷/۵۰۸	۵۲/۱۲۱
۵	۱/۵۱۲	۳/۳۵۹	۶۰/۹۱۵	۲/۴۲۵	۵/۵۲۵	۵۷/۶۴۵
۶	۱/۳۲۴	۲/۹۴۲	۶۳/۸۵۷	۱/۹۲۵	۴/۷۱۹	۶۲/۳۶۴
۷	۱/۱۷۲	۲/۶۰۵	۶۶/۴۶۲	۱/۶۴۲	۴/۰۹۸	۶۶/۴۶۲



بر اساس نتایج بدست آمده اولین عامل ۱۸/۱۶۸ درصد از واریانس کل متغیرها را تبیین می‌نماید و به تنهایی دارای بیشترین تأثیر در بازدارندگی کارآفرینی منطقه‌ی مورد مطالعه است. دومین عامل با مقدار ویژه ۶/۴۴۲؛ تبیین کننده‌ی ۱۴/۶۹۹ درصد از واریانس کل متغیرها است. عامل سوم، با ۱۱/۷۴۶ درصد از واریانس در رده سوم عامل‌ها می‌باشد. بدین ترتیب سه عامل اول؛ تبیین کننده‌ی ۴۴/۶۱۳ درصد از واریانس کل متغیرها می‌باشند. عامل چهارم، پنجم، ششم و هفتم نیز به ترتیب ۷/۵۰۸ درصد، ۵/۵۲۵ درصد، ۴/۷۱۹ درصد، ۴/۰۹۸ درصد از واریانس کل متغیرهای مربوط به بازدارنده‌ی کارآفرینی را تبیین می‌نمایند. در این پژوهش برای چرخش عوامل از واریامکس بهره گرفته شد. بر اساس نتایج بدست آمده ۷ عامل از بین تمام متغیرها (که شامل ۴۵ متغیر بود) مستخرج گردید. همانطور که در جدول زیر نشان داده شده است؛ ۱۳ متغیر در عامل اول بارگذاری شده‌اند. این ۱۳ متغیر به ترتیب عبارتند از: عدم دسترسی به منابع مالی مورد نیاز (عدم دسترسی به وام و دشواری فراهم کردن شرایط اخذ تسهیلات بانکی (ضامن و وثیقه)، نوسانات زیادی در قیمت مواد خام / تجهیزات، قیمت بالای تجهیزات و مواد اولیه و پایین بودن قیمت فروش محصولات تولید شده نسبت به هزینه‌های صورت گرفته، عدم حمایت از کارآفرینان جوان، سردرگمی و پیچیدگی قوانین و عدم وجود سیاست‌های واضح، دسترسی به جایگزین بهتر در بازار، نرخ بالای بهره وام، پایین بودن تجهیزات مدرن مکانیزاسیون در روستا، بازار رقابتی بالا، کوچکی بازار محلی و عدم تنوع در فعالیت‌های اقتصادی دولت (نبود بازار محلی جهت عرضه محصولات تولید شده)، نفوذ دلالان و واسطه‌های متعدد بین تولیدکننده و مصرف‌کننده، عدم استراتژی بازاریابی و نفوذ دلالان و واسطه‌های متعدد بین تولیدکننده و مصرف‌کننده، عملکرد فروش نامناسب و ضعف امکانات برای عرضه و فروش محصولات بدون واسطه. با توجه به این که این عوامل بیشتر متمرکز بر وضعیت اقتصادی هستند؛ عامل اول اقتصادی نامیده شد. دومین عامل با مقدار ویژه ۶/۴۴۲ و درصد واریانس ۱۴/۶۹۹، از ۱۲ متغیر شامل پایین بودن حس تعلق مکانی بین ساکنان، عدم وجود طرحی برای شروع کسب و کار فقدان برنامه‌ریزی و بالا بودن میزان فقر روستایی، پایین بودن تعاملات اجتماعی، عدم هماهنگی و یکدست بودن ساکنان، ضعف در تصمیم‌گیری، پایین بودن اعتماد به آشنایان و دوستان جهت انجام کار گروهی، پایین بودن روحیه کار گروهی در میان روستائیان، فقدان تجربه، پایین بودن آشنایی با نیاز بازارهای جدید بازار، ضعف زیرساخت‌های مکمل فعالیت‌های کارآفرینی در منطقه، عدم انتقال تجارب شخصی روستائیان در زمینه کارآفرینی، بی‌اعتمادی جامعه به کارآفرینان" تشکیل شده است. با توجه به متغیرهای بارگذاری شده در این دسته، عامل دوم اجتماعی نامیده شد. سومین عامل با مقدار ویژه ۵/۲۷۷ و درصد واریانس ۱۱/۷۴۶ از متغیرهای عدم روحیه‌ی استقلال طلبی، عدم خلاقیت و نوآوری، عدم وجود انگیزه، فقدان مهارت‌های کسب و کار و کارآفرینی، ترس از شکست و رقابت، پایین بودن آستانه‌ی تحمل در برابر مشکلات، ریسک‌گریزی، خرافاتی و تقدیر گرا بودن تشکیل شده است. بنابراین این عامل بر عوامل شخصیتی و روانی تأکید دارد. لذا عامل فردی نامیده شد. عامل چهارم با مقدار ویژه ۳/۳۷۹ و درصد واریانس ۷/۵۰۸ عامل آموزشی نامیده شد. علت این نام‌گذاری قرار گرفتن متغیرهای فقدان دانش کسب و کار، عدم اطلاع‌رسانی در زمینه فناوری‌ها و نوآوری‌ها اطلاع ضعیف از طرح‌های حمایتی در نقاط روستایی، پایین بودن حضور مروجان جهت آموزش در زمینه کارآفرینی، برگزاری مقطعی و نامنظم کلاس‌های کارآفرینی و عدم تمایل جهت شرکت در کلاس‌های کارآفرینی در این دسته بود. پنجمین عامل با تبیین ۵/۵۲۵ درصد از واریانس کل عوامل بازدارنده کارآفرینی شامل متغیرهای کمبود و فرسوده شدن امکانات فیزیکی، نبود فرصت‌های کاری مناسب در روستا و ساختار سنی سالمند در روستا بود. با توجه به متغیرهای بارگذاری شده در این دسته، این عامل زیرساختی نامیده شد. متغیرهای عدم ترغیب و تشویق کارآفرینی از سوی دولت، عدم اصلاح مقررات و قوانین دست و پاگیر اخذ وام، عدم ساماندهی و شناسنامه‌دار کردن کسب و کارهای روستایی در ششمین عامل بارگذاری شدند. بنابراین این عامل سیاستی نامیده شد (با مقدار ویژه ۱/۹۲۵ و درصد واریانس ۴/۷۱۹). آخرین عامل بازدارنده‌ی توسعه‌ی کارآفرینی (عامل هفتم) شامل دو متغیر پایین بودن حمایت از سوی نهادهای مسئول و متولیان بخش کشاورزی و عدم استقبال مدیران بانک‌ها از ایده‌های نو کارآفرینی بود. از این رو این عامل حمایتی نام‌گذاری شد. بر این اساس، در این تحلیل هفت عامل استخراج گردید که در مجموع شامل ۴۵ متغیر است.

جدول ۴- تحلیل عاملی عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی شهرستان بویراحمد

بار عاملی	متغیرها	عامل
۰/۷۲۳	عدم دسترسی به منابع مالی مورد نیاز (عدم دسترسی به وام و دشواری فراهم کردن شرایط اخذ تسهیلات بانکی (ضامن و وثیقه)	اقتصادی
۰/۷۳۵	نوسانات زیادی در قیمت مواد خام / تجهیزات	
۰/۷۲۶	قیمت بالای تجهیزات و مواد اولیه و پایین بودن قیمت فروش محصولات تولید شده نسبت به هزینه های صورت گرفته	
۰/۷۲۴	عدم حمایت از کارآفرینان جوان	
۰/۷۲۱	سردرگمی و پیچیدگی قوانین و عدم وجود سیاست های واضح	
۰/۷۱۶	دسترسی به جایگزین بهتر در بازار	
۰/۷۰۹	نرخ بالای بهره وام	
۰/۷۰۸	پایین بودن تجهیزات مدرن مکانیزاسیون در روستا	
۰/۷۰۱	بازار رقابتی بالا	
۰/۶۵۱	کوچکی بازار محلی و عدم تنوع در فعالیتهای اقتصادی دولت (نبود بازار محلی جهت عرضه محصولات تولید شده)	
۰/۵۷۳	نفوذ دلالان و واسطه های متعدد بین تولیدکننده و مصرف کننده	
۰/۵۵۵	عدم استراتژی بازاریابی و نفوذ دلالان و واسطه های متعدد بین تولیدکننده و مصرف کننده	
۰/۵۴۶	عملکرد فروش نامناسب و ضعف امکانات برای عرضه و فروش محصولات بدون واسطه	
۰/۸۱۱	پایین بودن حس تعلق مکانی بین ساکنان	اجتماعی
۰/۸۰۸	عدم وجود طرحی برای شروع کسب و کار فقدان برنامه ریزی و بالا بودن میزان فقر روستایی	
۰/۷۸۸	پایین بودن تعاملات اجتماعی	
۰/۷۸	عدم هماهنگی و یکدست بودن ساکنان	
۰/۷۴۶	ضعف در تصمیم گیری	
۰/۷۰۹	پایین بودن اعتماد به آشنایان و دوستان جهت انجام کار گروهی	
۰/۶۸۵	پایین بودن روحیه کار گروهی در میان روستائیان	
۰/۶۳۰	فقدان تجربه	
۰/۶۳۰	پایین بودن آشنایی با نیاز بازارهای جدید بازار	
۰/۶۱۲	ضعف زیرساخت های مکمل فعالیتهای کارآفرینی در منطقه	
۰/۵۴۲	عدم انتقال تجارب شخصی روستائیان در زمینه کارآفرینی	
۰/۴۶۵	بی اعتمادی جامعه به کارآفرینان	
۰/۸۳۱	عدم روحیه استقلال طلبی	فردی
۰/۷۹۱	عدم خلاقیت و نوآوری	
۰/۷۶۹	عدم وجود انگیزه	
۰/۷۴۱	فقدان مهارت های کسب و کار و کارآفرینی	
۰/۷۰۹	ترس از شکست و رقابت	
۰/۶۹۳	پایین بودن آستانه تحمل در برابر مشکلات	
۰/۵۸۸	ریسک گریزی	
۰/۵۲۲	خرافی و تقدیر گرا بودن	
۰/۹۱۹	فقدان دانش کسب و کار	آموزشی
۰/۸۶۴	عدم اطلاع رسانی در زمینه فناوری ها و نوآوری ها اطلاع ضعیف از طرح های حمایتی در نقاط روستایی	



۰/۷۸۹	پایین بودن حضور مروجان جهت آموزش در زمینه‌ی کارآفرینی	
۰/۷۵۶	برگزاری مقطعی و نامنظم کلاس‌های کارآفرینی و عدم تمایل جهت شرکت در کلاس‌های کارآفرینی	
۰/۷۵۵	کمبود و فرسوده شدن امکانات فیزیکی	زیرساختی
۰/۷۱۶	نبود فرصت‌های کاری مناسب در روستا	
۰/۵۶۴	ساختار سنی سالمند در روستا	
۰/۶۲۷	عدم ترغیب و تشویق کارآفرینی از سوی دولت	سیاستی
۰/۵۸۹	عدم اصلاح مقررات و قوانین دست و پاگیر اخذ وام	
۰/۵۳۲	عدم ساماندهی و شناسنامه‌دار کردن کسب و کارهای روستایی	
۰/۶۳۵	پایین بودن حمایت از سوی نهادهای مسئول و متولیان بخش کشاورزی	حمایتی
۰/۵۶۴	عدم استقبال مدیران بانکها از ایده‌های نو کارآفرینی	

### بحث و نتیجه‌گیری:

در این پژوهش ۷ عامل بازدارنده‌ی کارآفرینی در منطقه مورد مطالعه شامل مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، فردی، آموزشی، زیرساختی، سیاستی و حمایتی می‌باشد. این هفت عامل در کل ۶۶/۴۶۲ درصد از کل واریانس عوامل بازدارنده کارآفرینی را تبیین نمودند. اصلی‌ترین عامل بازدارنده‌ی کارآفرینی در این منطقه عامل اقتصادی است که درصد بالایی از واریانس عوامل بازدارنده‌ی کارآفرینی را تبیین نموده است. بنابراین مهم‌ترین متغیر بازدارنده‌ی اقتصادی کسب و کار کارآفرینی روستایی، عدم دسترسی به منابع مالی مورد نیاز (عدم دسترسی به وام و دشواری فراهم کردن شرایط اخذ تسهیلات بانکی (ضامن و وثیقه) می‌باشد. که با نتایج پژوهش فکور و انصاری با عنوان مطالعه عوامل بازدارنده و انگیزشی برای نوآوری در بنگاه‌های کوچک منتخب ایران که مهم‌ترین مانع نوآوری را عدم دسترسی به منابع مالی دانسته همسو می‌باشد. همچنین با مطالعه مرادی و همکاران (۱۳۹۵) که عامل تامین مالی را از جمله مهم‌ترین عوامل بازدارنده کارآفرینی دانسته همسو بوده، چرا که کارآفرینان نوپا عمدتاً جهت تامین مالی کسب و کار خود به خانواده‌های خود تکیه نموده و نمی‌توانند با اطمینان به بانک‌ها و موسسات مالی تکیه کنند. زیرا بانک و سرمایه‌گذاران خطرپذیر، بیشتر به سرمایه‌گذاری در کسب و کارهایی تمایل دارند که در مرحله‌ی رشد هستند نه سازمان‌هایی که در مرحله‌ی راه‌اندازی قرار دارند. همچنین این یافته با مطالعات آراستی و غلامی (۱۳۸۹) تطابق دارد. بازدارنده‌ی دیگر شناسایی شده در این پژوهش، نوسانات قیمت مواد خام و تجهیزات بوده که با توجه به نوسانات قیمتی آشکار، به عنوان عامل بازدارنده‌ی در جهت توسعه کارآفرینی روستایی شناخته شده است. پس از آن، به ترتیب قیمت بالای تجهیزات و مواد اولیه و پایین بودن قیمت فروش محصولات تولید شده نسبت به هزینه‌های صورت گرفته، عدم حمایت از کارآفرینان جوان، سردرگمی و پیچیدگی قوانین و عدم وجود سیاست‌های واضح، دسترسی به جایگزین بهتر در بازار، نرخ بالای بهره‌ی وام، پایین بودن تجهیزات مدرن مکانیزاسیون در روستا، بازار رقابتی بالا، کوچکی بازار محلی و عدم تنوع در فعالیت‌های اقتصادی دولت (نبود بازار محلی جهت عرضه محصولات تولید شده)، نفوذ دلالان و واسطه‌های متعدد بین تولیدکننده و مصرف‌کننده، عملکرد فروش نامناسب و ضعف امکانات برای عرضه و فروش محصولات بدون واسطه به عنوان بازدارنده‌ی توسعه‌ی کارآفرینی روستایی در روستای سربتاوه شناسایی شدند.

پس از عامل اقتصادی، به عنوان اولین عامل بازدارنده‌ی کارآفرینی روستایی، عامل اجتماعی به عنوان دومین عامل بازدارنده‌ی توسعه‌ی کسب و کار کارآفرینی روستایی شناسایی شد. در این راستا، پایین بودن حس تعلق مکان بین ساکنان روستایی به عنوان مهم‌ترین عامل بوده است، که با یافته‌های پژوهش آرام و همکاران، ۱۳۹۳ در پژوهشی با عنوان بررسی تاثیر طراحی کالبدی محیط روستا بر حس مکان ساکنین مطالعه موردی: روستاهای کریک و سربتاوه تطابق دارد. پس از آن به ترتیب عدم وجود طرحی برای شروع کسب و کار، پایین بودن تعاملات اجتماعی، عدم هماهنگی و یکدست بودن ساکنان، ضعف در تصمیم‌گیری، پایین بودن اعتماد به آشنایان و دوستان، پایین بودن روحیه کار گروهی، فقدان تجربه، پایین بودن آشنایی با نیاز بازارهای جدید، ضعف زیرساخت، عدم انتقال تجارب شخصی روستاییان و بی‌اعتمادی جامعه به کارآفرینان به عنوان عوامل بازدارنده‌ی کارآفرینی روستایی شناخته شدند. قابل ذکر است که بر اساس پژوهش آرام

و همکاران، ۱۳۹۳ پایین بودن حس تعلق مکان و حس جدایی از مکان در میان ساکنان روستای سرآبناوه به چشم می خورد که به علت نبود خاطره جمعی و پایین بودن تعاملات اجتماعی در بین ساکنان این روستا به وجود آمده است. شایان ذکر است مسئله ی مهاجرپذیری روستای سرآبناوه و نا آشنا بودن ساکنان روستا و نبود حس تعلق مکان، پایین بودن تعاملات روستایی را موجب شده است. پس از آن، عامل فردی به عنوان سومین عامل بازدارنده ی کسب و کار روستایی شناخته شده است که عدم روحیه ی استقلال طلبی و پس از آن عدم خلاقیت و نوآوری، عدم وجود انگیزه، فقدان مهارت های کسب و کار کارآفرینی، ترس از شکست و رقابت، پایین بودن آستانه ی تحمل در برابر مشکلات، ریسک گریزی و خرافاتی و تقدیرگرایی به ترتیب عوامل بازدارنده ی فردی می باشند. چهارمین عامل بازدارنده ی آموزشی بوده و پس از آن عوامل زیرساختی، سیاستی و حمایتی قرار دارند. پس از بررسی و تحلیل بازدارنده های کارآفرینی، این سوال مطرح می شود که چه اقداماتی باید انجام داد؟ با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهادات زیر مطرح می گردد:

با توجه به این که عامل اقتصادی به عنوان مهم ترین عامل بازدارنده ی کسب و کار کارآفرینی روستایی در روستای سرآبناوه شناسایی شده است، فراهم نمودن بستری جهت دسترسی ساکنان این روستا به منابع مالی مورد نیاز جهت ایجاد کسب و کار کارآفرینی روستایی مانند دسترسی آسان به وام و آسان نمودن شرایط اخذ وام پیشنهاد می گردد.

فراهم نمودن بستری جهت ایجاد تعاملات سودمند ساکنان روستای سرآبناوه و بالا رفتن همبستگی اجتماعی و حس تعلق به مکان، با برگزاری مراسم مذهبی، ورزشی، اردوهای روستایی فعالیت های دسته جمعی برگزارای دوره های آموزشی منظم کارآفرینی روستایی و آموزش های عملی با حضور مروجان آموزشی اطلاع رسانی به ساکنان روستایی در رابطه با فناوری و نوآوری های روستایی

ایجاد فرصت های مناسب کسب و کار کارآفرینی برای روستاییان ساکن در روستای سرآبناوه با توجه به پتانسیل های موجود در روستا توجه به محیط و زیرساخت های قانونی و حمایتی جهت بهبود فرایند کارآفرینی روستایی و ایجاد اشتغال مولد در سطح روستا توجه برنامه ریزان، تصمیم گیران و مدیران به ویژگی های فردی کارآفرینان در رشد و توسعه ی کارآفرینی روستایی در روستای سرآبناوه، چرا که ویژگی های فردی که مانع کسب و کار کارآفرینی می شوند، قابل آموزش و یادگیری بوده و چه بسا استعداد کسب و کار در وجود ساکنان روستایی بوده، لیکن به عللی چون عدم وجود انگیزه، ترس از شکست و رقابت و غیره، شکوفا نگردد، لذا آموزش و ایجاد زمینه ای جهت پرورش ویژگی های فردی کارآفرینی در نهاد ساکنان روستایی نیازمند توجه بیشتری است.

#### منابع:

- اکبری، م.، رضوانفر، ا.، علم بیگی، ا. (۱۳۹۵). تحلیل رفتار کارآفرینانه کشاورزان در مواجهه با تغییر اقلیم (شواهدی از بخشهای کامفیروز و کر استان فارس)، توسعه کارآفرینی، ۳(۳): ۳۹۷-۴۱۴.
- ایمانی، ع.، یعقوبی، ن.، مبارکی، م. (۱۳۹۶). شناسایی و اولویت بندی خط مشی های توسعه ی کارآفرینی بخش تعاون، فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی، ۱۰(۱): ۲۱-۳۹.
- پارساپور، س.، براتی، ج.، رسول زاده، م. (۱۳۹۶). عوامل اثرگذار بر پایداری بنگاه های کوچک و کارآفرین مورد مطالعه: بنگاه های صنعتی شهرستان مشهد، توسعه کارآفرینی، ۱۰(۱): ۴۱-۶۰.
- جعفرزاد، ا.، کیاکجوری، ک.، رودگرزاد، ف. (۱۳۹۰). تبیین عوامل اثرگذار بر فرایند کارآفرینی مستقل (مطالعه موردی: کارآفرینان شهرستان بندر انزلی)، توسعه کارآفرینی، ۴(۱۳): ۶۹-۸۷.
- رحیم پور نصرالهی، م.، اللهبیاری، م. ص.، صداقت حور، ش. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر عدم موفقیت تعاونی های چایکاران در استان گیلان. تعاون و کشاورزی. سال چهارم، شماره ۱۴، صص. ۱۱۱-۱۲۶.
- علیدوست، س.، لشگرآرا، ف.، فرج اله حسینی، ج. (۱۳۹۱). اولویت بندی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان گرمسار. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان: ۱۳-۱.
- شهرکی، ح.، موحدی، ر.، یعقوبی فرانی، ا. (۱۳۹۵). واکاوی مولفه های فرهنگی و اجتماعی کارآفرینی روستایی: یک پژوهش کیفی، توسعه کارآفرینی، ۹(۴): ۷۴۹-۷۶۷.

علی میری، م. (۱۳۸۷). آموزش کارآفرینی: پیدایش، توسعه، گرایش ها و چالش ها، توسعه کارآفرینی، (۱): ۱۳۳-۱۶۹.

فیض پور، م.، سعیدا اردکانی، س.، پوش دوز باشی، ه. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر حیات بنگاههای جدیدالورود کوچک و متوسط در تغییرات اشتغال: تجاربی از صنعت نساجی ایران طی دوره ۸۴-۱۳۷۵

قدیری معصوم، م.، چراغی، م.، کاظمی، ن.، زارع، ز. (۱۳۹۳). تحلیل موانع توسعه کارآفرینی در نواحی روستایی مورد: دهستان غنی بیگلو، شهرستان زنجان. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۳(۱): ۳-۱۷.

قمبرعلی، ر. زرافشانی. (۱۳۸۷). شناسایی شاخص های موفقیت کارآفرینان روستایی با استفاده از تحلیل مقیاس بندی چند بعدی، توسعه کارآفرینی، (۲): ۱۶۰-۱۳۱.

قمبرعلی، ر.، آگهی، ح.، علی بیگی، ا.ح.، زرافشانی، ک. (۱۳۹۵). ارزیابی فرهنگ کارآفرینی و عوامل مؤثر بر شکست کارآفرینان کشاورزی در شهرستان کرمانشاه. فصلنامه پژوهش های روستایی، دوره ۷، شماره ۲، صص. ۳۷۳-۳۶۵.

مرادی، ش.، رضایی، ب.، پاپ زن، ع. (۱۳۹۵). شناسایی عوامل توسعه کارآفرینی از منظر کارآفرینان ایرانی (مورد مطالعه: تجربه زیسته ی کارآفرینان در برنامه تلویزیونی پایش). توسعه کارآفرینی، (۳): ۵۱۳-۵۳۲.

نیک رفتار، ط.، حسینی، ا. (۱۳۹۵). تأثیر دانش پیشین بر تشخیص فرصت های کارآفرینانه (مورد مطالعه: آژانس های گردشگری مشارکت کننده در نمایشگاه گردشگری شهر شیراز)، توسعه کارآفرینی، (۴): ۷۳۱-۷۴۸.

ورمزیاری، ح.، ایمانی، ب. (۱۳۹۶). تحلیل تاب آوری کسب و کارهای روستایی در شهرستان ملکان، توسعه کارآفرینی، (۱): ۱۸۱-۲۰۰.

ولائی، م.، عبدالمهی، ع.، منافی آذر، ر.، صفری، ن. (۱۳۹۴). تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه پایدار روستایی با تأکید بر کارآفرینی (مطالعه ی موردی: دهستان مرحمت آباد شمالی - شهرستان میاندوآب). فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، (۱۹): ۱۴۹-۱۶۲.

یاسوری، م.، باسط قریشی، م.، وطن خواه، ژ. (۱۳۹۴). تحلیل موانع و راهکارهای توسعه کارآفرینی زنان روستایی دهستان گوراب پس فومن. پژوهش های روستایی، دوره ۶، شماره ۲، صص. ۳۴۲-۳۲۳.

Baum, J. R., Locke, E. A., & Smith, K. G. (2001). A multidimensional model of venture growth. *Academy of management journal*, 44(2): 292-303.

Chung, K.C. (2004). *Entrepreneurial Opportunity Identification Through of Bisociative Mode of Thinking*, Unpublished doctoral Dissertation, university of Hong kong

Dahlstrand, A.L. (2007). "Technology-based entrepreneurship and regional development: the case of Sweden", *European Business Review* 19 (5), 373-86

Jangchi Kashani, S., Mesbah, A., Mahmoodi, S. 2015. Analysis of Barriers to Agricultural Entrepreneurship Development from the Perspective of Agricultural Entrepreneurs in Qazvin Province. *Journal of Applied Environmental and Biological Sciences*. 5(12). Pp. 47-55.

Kumar, D. 2014. A Study of factors related to success & failure of entrepreneurship in small scale industries with importance on their level of education and training. *International Journal of Research in Commerce, IT & Management*, 4(6), Pp. 51-53.

Muruganatham, n., Natarajan, G. 2015. Barriers of Entrepreneur in Rural Area. *International Journal of Applied Research* 2015; 1(7): 621-624.

Nasrul Quadir, S.M. Saleh Jahur, M. 2011. Determinants of Success and Failure of Entrepreneurs of SMEs in Bangladesh- An Explorative Study. *European Journal of Business and Management*. 3(2):

Shan, S. Locke, E. & Collin, C (2003). Entrepreneurial motivation, *Human resource management Review*, Vol. 13, pp. 257-279.